شهید مختار مرادی

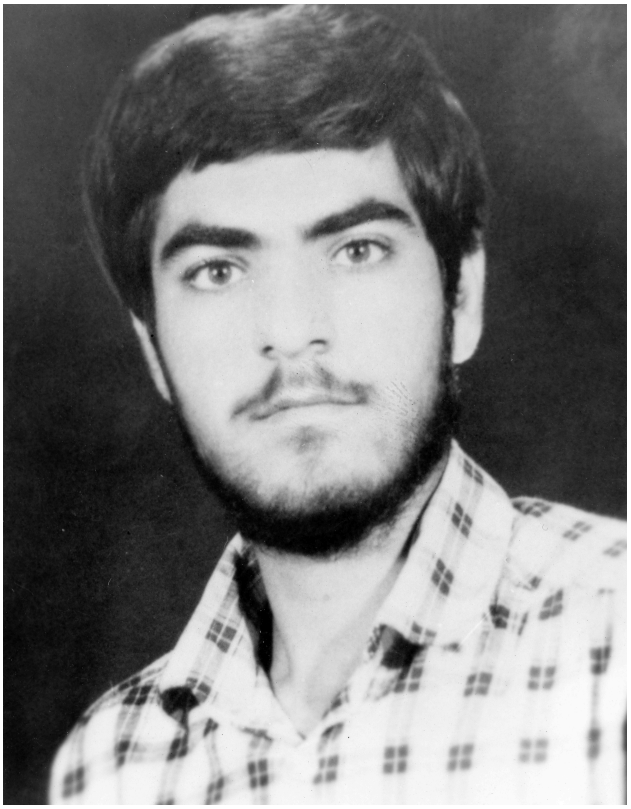

از تبار یاسین علی

سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	حسین طوبایی
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۱۰/۰۶
محل تولد	بوشهر – دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۴/۱۰/۱۰
محل شهادت	خرمشهر
مسئولیت	تیربارچی
نوع عضویت	پاسداروظیفه
شغل	–
تحصیلات	پنجم ابتدایی
مدفن	طلحه

زندگینامه

زندیگنامه شهید

شهید مختار مرادی یکی از انسان های پرورش یافته بود که در مکتب عاشورا درس ایثار را آموخته بود.او از مادری به نام هاجر مرادی متولد می گردد.هاجر که سمیه وار برای اعتلای اسلام از همه هستی خود می گذرد.حتی از پاره جگر خود مختار نیز.پدر او نیز حسین طوبایی نسب می باشد.پدری که برای آنکه فریاد حق طلبانه مستضعفین عالم کاخ استبداد را از ریشه بلرزاند فرزند خود را ابراهیم وار به قربان گاه عشق می فرستد.آن شهید در تاریخ ۲۹/۱۱/۴۷ متولد می گردد تا مأموریت استقامت و ایثار را به انجام رساند.آن مولود پاک در روستای فاریاب متولد می گردد.پس از چندی به همراه خانواده خویش و به دلیل تأمین معیشت زندگی خود هجرتی کوتاه را تجربه می کند و در روستای طلحه رحل اقامت می افکند.در آن روستا فرصتی بهتر فراهم گشت تا پدر به همراه فرزندش به امر کشاورزی مبادرت ورزند.پدر شهید زندگی فقیرانه ای داشت.تاریخ شهادت می دهد که همواره حامیان اسلام از اقشار تهیدست بوده اند.اینجا نیز بار دیگر تکرار گشته است.آن پدر به همراه فرزند خردسالش زمین های دیگران را آباد می کرد تا مقداری قوت جان تهیه نماید و خانواده را از گرسنگی برهاند.آن شهید والامقام توفیق حضور در مدرسه را هرگز نیافت و لیکن با تاسیس نهضت سواد آموزی مبادرت به کسب تعلیم نمود و توانست سواد خواندن و نوشتن را بیاموزد.سپس به مکتب خانه رفت و قرآن را از اساتید مختلف آموخت.به طوری که در قرآئت قرآن کریم تسلط کامل یافت.

او صدای زیبا و دلنشینی داشت.علاقه او و صدای او باعث گردید تا مداحی را پیشه خود سازد و نسبت به قرآئت ادعیه مختلف و بر پایی مراسمات مختلف اقدام ورزد.سرانجام آن شهید والامقام در بسیج عضویت می یابد و با حضور در پایگاه مقاومت و انجام فعالیت های فرهنگی رسالت خود را به انجام می رساند.او در سال ۱۳۶۳ به عضویت وظیفه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان دشتستان در می آید و پس از گذراندن دوره آموزشی در شهر کرمان به سوی جبهه آبادن و خرمشهر می شتابد.سرانجام نیز در حالی که در گردان حمزه سید الشهدا و در پایگاه پنجم شکاری مشغول به خدمت بود. در تاریخ ۱۰/۱۰/۶۴ به دست مزدوران بعثی شربت شهادت را می نوشد.

صفات اخلاقی شهید:

شهید مرادی اهل ورع و تقوی الهی بود و بسیار کم صحبت با تمام وجودش درد فقر را چشیده بود.زندگی بسیار ساده ای داشت.غذای او نیز بسیار ساده بود و کم خواب و پر تحرک بود.هیچ توجهی به دنیا و دنیا طلبان نداشت.پدر شهید می گوید:«هرگز از نارسایی ها و کمبودهای مادی که در زندگی داشتیم گله مند نبود.»بیشتر اوقات به کار کشاورزی مشغول بود.او مداح اهل بیت بود و علاقه زیادی به زیارت قبور شهدای محله داشت.اکثر اوقات به تنهایی به زیارت قبور شهدا می رفت.همه شهدای محله نیز دوست او بودند.در تنهایی خود با شهدا خلوت می کرد و با آنان هم صحبت می شد.شاید هم با آنان تجدید میثاق نموده بود که تا بر آنان وارد نگردد دست از مجاهدت بر ندارد.به دلیل اخلاق ملایم و متینی که داشت دوستان زیادی را به گرد خود جمع کرده بود.قبل از آن که به شهادت برسد(حدود شش ماه قبل از شهادت)برای او خواستگاری صورت گرفت و مبادرت به امر ازدواج نمود.آن شهید به ورزش فوتبال نیز علاقه فراوانی داشت و عضو تیم فوتبال والفجر روستای طلحه بود.در ورزش نیز سرآمد اخلاق بود.هرگز زبان خود را به الفاظ رکیک گشوده نکرد.

همیشه در سلام کردن بر دیگران پیشی می گرفت وهمین خصوصیات بود که از او انسانی ساخته بود تا دیگران در

حسرت مقام او متحیر گردند.

مصاحبه

پدر شهید از فرزند خود سخن می گوید:

در ابتدا از علت نامگذاری فرزندش پرسیدم و سپس سئولات متعدد دیگر،پدر بزرگوار شهید لب به سخن می گشاید و چنین می گوید:«به نام الله پاسدار خون شهیدان،مختار نامی بود که خود برگزیدم.از آنجا که خون خواه نهضت عاشورا مختار نام داشت نام فرزندم را نیز مختار گذاشتم.»آن پدر پیر بر ما فهماند که مختار او نیز خون خواه نهضت عاشورا بوده است.او بر ما فهماند که در طول تاریخ تمامی شهدای بعد از واقعه عاشورا خون خواهان نهضت حسینی اند.امید آنکه خون خواه واقعی حسین بن علی(ع)نیز سر از پرده غیبت برون آرد و تمامی آزادگان عالم را به خون خواهی شهیدان فرا خواند.پدر شهید چنین ادامه می دهد:«فرزندم نسبت به شناخت مسائل دینی و عقیدتی گام برداشت و دیگران را نیز در این راه تشویق می نمود.همیشه به همراه پدر خود در امر کشاورزی اهتمام خاص داشت.او رابطه نیکو و حسنه ای با خانواده و فامیل داشت.او در امانت داری و صداقت الگو بود.حتی در بجا آوردن مستحبات نیز کوشا بود.قرآن را با لحنی زیبا و دلنشین قرآئت می نمود.از آنجا که نسبت به امر ازدواج نیز ضابطه های روشنی داشت با دختر عموی خود ازدواج نمود.»

او جبهه را آزمونی برای ایمان می دانست و شهادت را عین شرافت و سعادت می دانست.شهادت آن شهید به حقیقت تأثیر شگرف بر ما گذاشت و خانواده را متحول نمود.اکنون افتخار می کنم که پدر شهیدم و چه سعادتی بالاتر از آن که عزیز خود را فدای عزیزترین مقصود خود نمایید.همانا مقصود ما خبر اعتلای کلمه الله و سرافرازی اسلام عزیز چیز دیگر نبوده است.امروز بر ماست که آرمان خواه خون شهیدان باشیم و خدای نا خواسته ذره ای از ارزش های اسلام و ولایت فاصله نگیریم .بر ماست که در خدمت به مردم از هیچ تلاشی فرو گذاری نکنیم و خودنیز آماده شهادت باشیم.چرا که تا قیام حضرت مهدی (عج) کفر و اسلام هرگز در زیر یک پرچم جمع نخواهد شد.

از تبار رئیس علی

سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر